

آسیب‌شناسی اختلافات حاشیه‌ساز برخی بازیکنان و مربیان در تیم ملی در گفت‌وگوی «جوان» با حسین کلانی پیشکسوت فوتبال

نقش پدر و پسری در تیم ملی فراموش شده است

داستان اختلاف برخی بازیکنان و مربیان در دوران سعید احمدیان

از چالش‌هایی است که سبب شده حواشی زیادی آن هم در مواقع حساس گریبان تیم را بگیرد. آخرین پرده آن هم ماجرای جدال درآگان اسکوچیچ و مهدی طارمی است؛ جدالی که با مصاحبه اسکوچیچ با یکی از رسانه‌های کروات و صحبت او درباره اینکه ایرانی‌ها از نظر تاکتیکی ضعیف هستند، کلید خورد و با پاسخ طارمی در فضای مجازی همراه شد که گفت بازیکنان ایرانی از نظر دانش و تاکتیک درک بالایی دارند ولی متأسفانه مشکلات جایی دیگر است، این یک به دوی تاکتیکی سرمربی و ستاره تیم ملی در نهایت به دعوت نشدن طارمی برای بازی با لبنان و سوریه ختم شد تا این حواشی به اوج برسد. در گفت‌وگو با حسین کلانی ستاره دهه ۵۰ تیم ملی و باشگاه پرسپولیس، به پیانه اختلاف اسکوچیچ و طارمی، به آسیب‌شناسی و ریشه‌یابی چنین بحران‌هایی که هرچند وقت یکبار در تیم ملی تکرار می‌شود، پرداخته‌یم.

■ ■ ■

آقای کلانی! به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مهاجمان تاریخ تیم ملی فوتبال و پرسپولیس، می‌خواهیم در ابتدا از زیبایی‌تان را از اختلاف درآگان اسکوچیچ و مهدی طارمی بدانیم، چرا باید به اینچا برسیم؟

در طول تاریخ فوتبال ما خیلی از مسائل و حواشی را شاهد بوده‌یم اما از زمانی که مربیان خارجی روی نیمکت نشسته‌اند، مانند روزی که آقای کی‌روش سرمربی تیم ملی ایران شد، چنین نمونه‌هایی را دیده‌یم. وی با مهدی رحمتی که بهترین دروازه‌بان ایران در آن مقطع بود، برخورد کرد و ایشان را کنار گذاشت و این تصمیم کلی به تیم لطمه زد، ما هر مشکلی داشتیم از مربیان خارجی بوده است، نه تنها تیم ملی، بلکه باشگاه‌های ما مانند پرسپولیس، استقلال، تراکتور، سپاهان و تیم‌های دیگر هم زمانی که مربی خارجی داشته‌اند با این مشکلات درگیر بوده‌اند. الان هم این مشکل گریبان تیم ملی را گرفته و آفاق اسکوچیچ در زمان حساسی که تیم ملی به سر می‌برد، صحبتی را مطرح کرده و به حواشی زیادی دامن زده است. حرفی که معتمد ناچجا و بی‌خردانه بوده که این مسائل را به وجود آورده است. آقای اسکوچیچ حق ندارد بیاید و بازیکن تیم ملی که در دنیا برای ایران افتخار آفرینی می‌کند و مهره شاخصی است، توپهن کند. آقای سرمربی که به تاکتیک‌پذیری بازیکنان خرده گرفته و آن را زیر سؤال برده است، خودشان کدام تکتیک را به ملی پوشان یاد داده‌اند، برده‌ایمان هم در بازی‌های اخیر روی غیرت بچه‌ها بوده و تاکتیکی در بازی تیم ملی ندیده‌ایم.

انتظور که از صحبت‌هایتان برداشت کردیم، شما معترقدید که یکی از ریشه‌های این حواشی که تیم ملی را وارد یک بحران خودساخته می‌کند، حضور مربیان خارجی است.

قطعاً، برخی از مربیان خارجی با توجه به دانشی که دارند، از مربیان داخلی بهتر هستند اما هیچ کدامشان



می‌کند و باید یک ارتباط پدر و فرزندی شکل بگیرد. هزینه‌هایی که برای آوردن مربی‌های خارجی می‌شود برای مربیان جوان داخلی هزینه شود، صددرصد نتیجه بهتری می‌گیریم. درست است که با آقای کی‌روش دو بار به جام جهانی صعود کردیم اما تیم ملی با آقای مهاجرانی که یک مربی داخلی بود در سال ۱۹۷۶ به جام جهانی رفت با بعدا در جام جهانی ۹۸ هم مجبور شدیم از آقای طالبی کمک بگیریم. کار خاصی هم با خارجی‌ها در جام جهانی انجام ندادیم و در همان مرحله اول حذف شدیم و هزینه‌های گزاف مالی را روی دست ما گذاشته‌اند، آن هم در این شرایط سخت کشور که همه دنیا ما در حال جنگ اقتصادی هستند. مربی خارجی نباید از فوتبال ایران برود و اگر می‌خواهیم دانش مربیان خودمان را بالا ببریم می‌توانیم از مدرسه‌های بین‌المللی فوتبال دعوت کنیم که دوره آموزشی در کشور ما برگزار کنند.

اینکه یک مربی خارجی نمی‌تواند روی جنبه‌های اخلاقی و رفتاری بازیکنان کنترل داشته باشد و با ارتباط گرفتن با بازیکنان، حواشی را مدیریت کند چقدر در شکل گیری این اختلاف‌ها مؤثر است؟

کاملاً درست است. زمانی که شما به عنوان یک خارجی، زبان کشوری را که در آن در حال فعالیت هستید، بلد نباشید، نمی‌توانید احساس و چیزی را که می‌خواهید به صورت کامل از طریق مترجم منتقل کنید. مربی خارجی نمی‌تواند چیزی را که به صورت کامل در نظرش شکل گرفته و از بازیکنان انتظار اجرایی شدنش دارد، به بازیکن منتقل کند. به همین خاطر آن ارتباط که لازم است بین مربی و بازیکن باشد، کاملاً شکل نمی‌گیرد. مربی مانند پدر دوم یک بازیکن می‌ماند که دانش را به آنها منتقل



نتیجه‌بی‌مدیریتی

■ **دنیا حیدری**

کار نباید به اینجا می‌کشید، اگر تیم بزرگ‌تری داشت که وظایف سرپرستی را می‌دانست و از عهده‌نظم دادن به امور برمی‌آمد و این اهمیت نقش سرپرست تیم را بیش از هر زمانی به تصویر می‌کشد. مسئله مدیریت است، همان حلقهٔ مفقوده تیم ملی که با انتخاب خورشیدی به وصله‌ای ناجور می‌ماند که نمی‌تواند همه را با هم متحد و به یکدیگر وصل کند. نقشی مشابه آنچه باقی در پرسپولیس و بدون داشتن عنوان سرپرستی ایفا می‌کند و حالا در تیم ملی نیز گویا باید با کشیدن جور سرپرست تیم پادشاه کند تا کار بیش از این بیخ پیدا نکند و تعامش با طارمی نیز بی‌گمان در همین راستا بود که البته جواب نداد.

اختلاف‌نظرها همیشه وجود داشته، نه فقط در تیم ملی فوتبال ایران. این را تیم‌های بزرگ دنیا نیز تجربه کرده‌اند. ایستادن بازیکن مقابل مربی یا پرخاش مربی به بازیکنانش که می‌تواند داستان‌های حاشیه‌ای زیادی را به دنبال داشته باشد. در این میان اما وجود یک مباحثی خوب و باتجربه می‌تواند اوضاع را از بغرنج شدن نجات دهد. شخصی که با پادرمیانی به موقع نه فقط اوضاع را جمع و جور کند که اجازه ندهد نه سیخ بسوزد و نه کباب، یعنی نه بازیکن براق شدن در چشمان سرمربی به عادتی برایش تبدیل شود و نه مربی دهان به گزاف‌گویی باز کند.

داستان مدیریت اصولی است و نظارتی دقیق که سرزنش‌گاه و قبل از آنکه استراتژی برای تنش یا دشمنی زده شود، مشکل را در نطفه خفه کند. نظارت و مدیریتی که اتفاقات رخ داده اخیر نشان داد وجود ندارد که اگر وجود داشت کار هرگز به این مرحله نمی‌رسید تا نگران رفتن دود این اختلافات به چشم فوتبال ایران باشیم. آن هم در مقطع حساسی که تیم ملی باید بازی‌های پیش‌رو را با موفقیت پشت‌سَر بگذارد. اگر قصدی برای حضور در جام جهانی قطر دارد، فدراسیون اما بعد از انتخابی نادرست در پست سرپرستی که امروز ثابت شد تا چه اندازه می‌تواند در جمع و جور کردن حواشی نقش داشته باشد، گام نخست را کج برداشت و در ادامه با نبود نظارت و همچنین نبود مدیریت شرایط را به گونه‌ای هدایت کرد که شاهد اتفاقات تلخی چون درگیری درون تیمی بین بازیکن و مربی باشیم. درگیری که می‌شد رخ دهد اگر قبل از بازیکن مدیریت فدراسیون سرمربی تیمش را بازخواست می‌کرد هم برای آرام کردن جو هم کشیدن گوش مربی که حرف خانه را پیش غیر برده، حرفی که صد البته درست هم نبوده است و بی‌شک اگر سکوت فدراسیون را در این داستان شاهد نبودیم، کار به اینجا نمی‌کشید که ضرر متوجه تیم ملی فوتبال ایران شود.

بازتاب



یک تصمیم، یک اشتباه

■ **ششیم رضوان**

قلم‌های قرمزی که در فوتبال روی نام افراد کشیده می‌شود گاه تا سالیان سال فراموش نمی‌شود. اینکه کدام حق است و کدام ناحق را زمان مشخص می‌کند اما یک تصمیم گاه می‌تواند فاصله بین مرگ و زندگی باشد. لحظه‌ای که فرار از آن گاه به معجزه می‌ماند؛ معجزه‌ای که در سه دقیقه پایانی بازی بسا لبنان جهنمی فراموش نشدنی را برای اسکوچیچ به بهشت تبدیل کرد. درست برخلاف یک دقیقه پایانی بازی فرانسه با بلغارستان که بهشت را برای ژینولا به جهنم تبدیل کرد و سرنوشتی را برای وینگر خروس‌ها رقم زد که برای طارمی قبل از بازی با لبنان رقم خورد. این همان اتفاقات نادری است که شاید تنها در فوتبال می‌توان به تماشای آن نشست. تصمیم‌هایی که گاه همه چیز را دستخوش تغییر قرار می‌دهد.

شمارش معکوس برای صعود فرانسه آغاز شده بود. صعودی که در مصاف با تیم رژیم اشتغالگرا باید جشن گرفته می‌شد اما اتفاقات همه چیز را به بازی پایانی با لهستان کشانده بود. بازی که خیلی زود تکلیفش با گل فرانسه روشن شد اما سرنوشتش با مقابله به مثل حریف دستخوش تغییر شد. فرانسه اما با همان تساوی

هم راهی جام جهانی می‌شد اما نه وقتی که در کمتر از ۶۰ ثانیه مانده به پایان بازی دیدید ژینولا توپ را الو داد. اشتباهی مرگبار که ژینولا را برای همیشه از حضور در تیم ملی فرانسه محروم کرد و فرانسه را از حضور در جام جهانی ۱۹۴ اما زا که روی نامش قلم قرمز کشید. حتی وقتی بهترین بازیکن انگلیس شد و به زعم هولیه، که دو دهه بعد او همچنان متمم بود. متمم کردن ژینولا شاید سادترین کار بود. شکست برابر رژیم اشتالگر خیلی به چشم نیامد چون یک فرصت دیگر باقی بود، درست برخلاف دقیقه آخر بازی با بلغارستان که به معنای پایان کار بود. درست مثل سه دقیقه آخر بازی با لبنان که می‌توانست پایانی تلخ و تاوان یک اشتباه باشد. اما کسی چه می‌داند کدام اشتباه است. خط خوردن طارمی و ژینولا، تصمیم آخر زا که اسکوچیچ که به نظر می‌رسد بیشتر به دنبال مقصر جلوه دادن دیگری بودند برای فرار از واقعیت.



سرپرست‌های تیم ملی از زمان آقای کی‌روش سعی کرده‌اند برابر حواشی که به وجود می‌آید کوتاه بیایند و این برای افرادی که در این سمت قرار می‌گیرند، تبدیل به یک مانعیت شده است. این در حالی است که سرپرست، مدیر تیم است، سرپرست فقط این نیست که برای تیم هتل با پلیتس هوابیما بگیرد. این وظایف هم هست اما وظیفه نظارت بر تیم و برطرف کردن اختلاف‌هایی که ممکن است بین بازیکن و مربی شکل بگیرد، هم جزو وظایف اوست. سرپرست از طرف فدراسیون یا باشگاه اختیار کامل دارد اما امروز حق و حقوقی که یک سرپرست برای مدیریت تیم باید داشته باشد، از او گرفته شده است و مانند گذشته سرپرست‌های مقتدری نداریم.

در این زمینه از نقش مدیریت فدراسیون فوتبال که می‌توانست این ماجرا را حل و فصل کند هم نمی‌توان گذشت که به اعتقاد خیلی‌ها کم‌کاری صورت گرفته است. در پایان در این باره صحبت می‌کنید؟

مدیریت فدراسیون فوتبال این روزها گرفتاری‌های زیادی دارد. گرفتاری با فیفا دارد، گرفتاری با AFC دارد، گرفتاری با حواشی داخلی را دارد، گرفتاری برای تأمین امکانات تیم ملی دارد. مدیریت فدراسیون به همین خاطر وظایفش را برای مدیریت تیم ملی به سرپرست تیم و کسانی که اطراف تیم ملی هستند، واگذار کرده اما متأسفانه این افراد نتوانسته‌اند کارشان را به درستی انجام بدهند و این موضوع سبب شده تا کار به اینجا برسد. در پایان کار هم فدراسیون به عنوان مقصر شناخته می‌شود که نتوانسته این ماجرا را مدیریت کند. درباره ماجرا و بحثی که بین مهدی طارمی و درآگان اسکوچیچ به وجود آمده هم اشکال از فدراسیون فوتبال است که نتوانسته این اختلاف را مدیریت کند و مسئله‌ای را که خیلی ساده و دو طرف رو به‌روی هم نشده‌اند که به صورت روشن صحبت‌هایی را که در رسانه‌ها انجام داده‌اند، با هم مطرح کنند. این مسائل ابتدا نباید رسانه‌ای می‌شد. این اشکال و ضعف فدراسیون فوتبال را نشان می‌دهد آن هم در برهه‌ای که تیم ملی شرایط حساسی دارد.

سرپرست، مدیر تیم است، سرپرست فقط این نیست که برای تیم هتل با پلیتس هوابیما بگیرد. این وظایف هم هست اما وظیفه نظارت بر تیم و برطرف کردن اختلاف‌هایی که ممکن است بین بازیکن و مربی شکل بگیرد، هم جزو وظایف اوست. سرپرست از طرف فدراسیون یا باشگاه اختیار کامل دارد اما امروز حق و حقوقی که یک سرپرست برای مدیریت تیم باید داشته باشد، از او گرفته شده است و مانند گذشته سرپرست‌های مقتدری نداریم

رضاشاهرودی حاضر به این کار نشد تا خط خوردنش از تیم مایلی کهن شود.
■ خدا حافظی بار حمتی و عقیلی
کارلوس کی‌روش سرمربی پرتغالی سابقه حضور در تیم‌های بزرگ را در کارنامه داشت به همین خاطر می‌دانست که با بازیکنان اسمی چگونه برخورد کند تا سایرین دچار خراب‌بزرگ بینی نشوند. درست در زمان بازی‌های انتخابی جام جهانی ۲۰۱۴ یک اتفاق عجیب رخ داد؛ سیدمهدی رحمتی در سال ۹۱ و در حالی که یکی از بهترین گلرهای آن زمان فوتبال ما بود، با یک مصاحبه کناره‌گیری موقتی‌اش از تیم ملی را اعلام کرد؛ رحمتی دلیل این تصمیم شخصی‌اش را فشارهای زیاد عنوان و برای استراحت و رسیدن به آرامش از حضور در تیم کی‌روش عذرخواهی کرد. به گفته بسیاری رحمتی